

Sociological Explanation of the Effective Factors of the Tendency towards Salafism in Khuzestan Province; Case Study Youth of Ahvaz City

Abdollah Moradi * 

Assistant Professor, International Relations,
Supreme National Defense University, Tehran,
Iran

Seyed Zakaria Mohamodi Raja 

Ph.D, Political Sciences, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Abstract


The contemporary history of Khuzestan province is intertwined with issues such as ethnic segregation, security problems and some crimes and socio-political anomalies due to some economic, environmental, cultural and domestic problems as well as foreign historical interventions. The persistence of these internal problems, as well as the media propaganda of the Arab and trans-regional countries, has provoked the ethnic protesters, which has provided the ground for linking the thoughts of the ethnocentrists with the ideas of Wahhabism and Takfiri in parts of this province. The main aim of this research was to identify effective components in tendency of Shiite-youth towards Salafi-Takfiri thoughts in some parts of Khuzestan province. The research was a qualitative approach, conducting based on Grounded theory. Statistical population included people oriented to these thoughts and informed pundits who were purposefully selected. The results were obtained after 17 deep interviews. Then, relying on a systematic data-based approach and open coding process, pivotal and selective, the paradigm model of the research was realized. The results and findings of the study indicated that cultural, economic, media, geographical and external components have played a major role and psychological and political components have played a facilitating role in the tendency of young people to these thoughts.


Keywords: Salafism, Takfiri, Ethnicism, Ahwaz Youth, Effective Factor.

* Corresponding Author: moradi.abdolah@gmail.com

How to Cite: Moradi, A., Mohamodi Raja, S. Z., (2022), "Sociological Explanation of the Effective Factors of the Tendency towards Salafism in Khuzestan Province; Case Study Youth of Ahvaz City", *Quarterly of Political Strategic Studies*, 11(42), 43-77. doi: 10.22054/QPSS.2021.56368.2693

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر گرایش به سلفی‌گری در استان خوزستان؛ مورد مطالعه: جوانان شهر اهواز

عبداله مرادی*  استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

سید زکریا محمودی رجا  دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

تاریخ معاصر استان خوزستان در اثر وجود برخی مشکلات اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی در داخل و مداخلات تاریخی عوامل بیرونی با مسائل تجزیه‌گرایی قومی، معضلات امنیتی و برخی جرائم و ناهنجاری‌های سیاسی - اجتماعی پیوند خورده است. استمرار برخی معضلات داخلی و تبلیغات رسانه‌ای جبهه عربی و فرمانطقه‌ای باعث تحریک و تهییج معترضان قومی و بدنبال آن پیوند تفکرات قومیت‌طلبی با اندیشه‌های وهابیت و تکفیری‌ها در مناطقی از این استان انجامید. بر این اساس هدف اصلی پژوهش؛ شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در گرایش برخی جوانان شیعی اهواز به تفکرات سلفی - تکفیری و انجام رفتارهای تروریستی در بخش‌هایی از این استان بود. پژوهش از نوع رویکرد کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد انجام شد. جامعه آماری شامل جوانان گرایش یافته به تفکرات سلفی و صاحب‌نظران مطلع در مورد مسئله بود که به شیوه هدفمند انتخاب و پس از ۱۷ مورد مصاحبه عمیق، اشباع نظری حاصل گردید. در ادامه با تکیه بر رویکرد نظام‌مند داده‌بنیاد و فرآیند کدگذاری باز، محوری و گزینشی و الگوی پارادایمی تحقیق ترسیم گردید. نتایج و یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که مؤلفه‌های فرهنگی، اقتصادی، رسانه‌ای، جغرافیایی و بیرونی نقش اصلی و مؤلفه‌های روان‌شناختی و سیاسی نقش تسهیل‌گر را در گرایش جوانان به این تفکرات بر عهده داشته‌اند.

واژگان کلیدی: سلفی‌گری، تکفیر، قومیت‌گرایی، خوزستان، امنیت ملی.

مقدمه

در نتیجه پویش‌ها و تحولات ناشی از جهانی‌شدن، رشد فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، جنبش‌های استقلال‌طلبانه و تجزیه‌گر قومی بعنوان مسئله انتهای قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم در سطح جهان مطرح شد؛ امری که روند ثبات، توسعه و امنیت پایدار نظام‌های سیاسی را به مخاطره انداخته است. بنابر تحلیل و گزارش‌های ارائه شده، منشأ اصلی نزاع‌ها در اغلب مناطق جهان، مباحث نژادی، قومی، ناسیونالیستی^۱، ژئوپلیتیک^۲ و مذهبی بوده‌اند (احمدی و الوند، ۱۳۹۱: ۱۶۱). گروه‌های قومی بعنوان اقلیت یا اکثریت با تکیه بر عناصر پیشینه فرهنگی، تاریخ، نژاد و زبان مشترک، تعصبات قومی و مذهبی اهداف مختلفی دارند. به تبع این نگرش، آن‌ها احساس تمایز هویتی برای خود در مقابل غیریت‌های موجود در سطح جامعه و نظام سیاسی قائلند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۶۰) مجموع موارد ذکر شده باعث گردید که گروه‌های قومی مطالبات خاص و به تبع آن رفتار و کنش واگرایانه، مقاومت‌محور و ستیزه‌جویی در مقابل گفتمان و نظم حاکم داشته باشند (احمدی و الوند، ۱۳۹۱: ۱۷۲ - ۱۷۴).

بنا بر موقعیت جغرافیایی، سوابق فرهنگی، تمدنی و تاریخی، تکثر قومی، زبانی و فرهنگی شاخصه تمایزبخش کشور ایران با سایر کشورها در سطح منطقه خاورمیانه است. بر اساس شاخص‌هایی که در مورد مسائل سیاسی، قومی و فرهنگی جامعه و نظام سیاسی ارائه شده است، ایران رتبه ۴۷ نهمگون‌ترین کشور جهان و رتبه ۲۹ از نظر تنوع زبانی را دارد (اکبری و فخار، ۱۳۹۶: ۷۴). این الگوی دولت - ملت ترکیبی و نامتوازن زیر یک پرچم ملی، هرچند بعنوان مزیت و شاخص والای ایران در سطح منطقه خاورمیانه بوده است، اما در اثر وجود ژئوپلیتیک متنوع، شکاف‌های اجتماعی (نژاد، زبان، فرهنگ متفاوت و بعضاً متعارض قومی)، همسایگی با کشورهای همسایه و اشتراکات فرهنگی - زبانی قوم‌های مرزی با آن‌ها، پروژه هویت‌خواهی قومی، تنش داخلی و به تبع آن تهدیدات امنیتی عمیق و گسترده را برای کشور در پی دارد (مطلبی، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۳). استان خوزستان با موقعیت و جایگاه مشخص استراتژیکی^۳، ژئواکونومیکی^۴، هیدروپلیتیک^۱ و هویت قومی عربی از

1. Nationalism
2. Geopolitics
3. Strategic
4. Geoeconomics

جمله مناطقی است که در تاریخ معاصر در تیررس سیاست‌های مداخله‌گرایانه کشورهای غربی و برخی رقبای منطقه‌ای ایران قرار گرفته است. بتدریج با پایان جنگ تحمیلی، تغییر و تحولات داخلی و منطقه، خرابی‌ها و خسارات برجای مانده از جنگ، جوانی جمعیت و بحران بیکاری و ازدواج جوانان، فشارهای اقتصادی و تحریم‌های آمریکا و هم‌پیمانانش و از همه مهم‌تر وقوع بحران‌های خشک‌سالی، کم‌آبی، گرمی آب و هوا، آلودگی آب و هوا در استان خوزستان در اثر هجوم ریزگردها و عدم بکارگیری اقدامات مطلوب، دوباره مطالبات هویت‌خواهی قومی در این استان فزونی یابد. جنگ عملیات روانی در قالب سوء استفاده از برخی مشکلات اقتصادی، سیاسی و بهره‌گیری از تعصبات قومی و مذهبی بعنوان بستر ساز جنگ داخلی از جمله تاکتیک‌های مهمی بوده که از سوی جریان صهیونیستی-عربی علیه کشورها و جریان‌های غیرهمسو در برهه‌های مختلف بکار گرفته شد. زمانی که نگرش‌های افراطی و فرقه‌گرایانه وهابیت برای حضور و نفوذ در اهل تسنن ایران با شکست مواجه شد، دولت عربستان کوشید با کمک فرقه وهابیت بعنوان رویکرد افراطی و تکفیری از سلفی‌گری، این بار تخاصم و غیریت‌سازی هویت‌عربی زبان را برای تحریک و جذب در میان جوانان استان خوزستان بکار گیرد. در این راستا مقولاتی چون: عدم بهره‌گیری کامل از منابع نفتی این استان، زیر سؤال بردن مبانی شیعی و سیاست‌های صدور انقلاب ایران در سطح منطقه را با هدف موج هویت‌طلبی و تحریک تجزیه‌گرایی قومی و زبانی در اشکال مختلف در استان خوزستان بکار برد.

در همین راستا مسئله مهمی که در طی سالیان گذشته اتفاق افتاده است؛ پیوند بین ناسیونالیسم و تجزیه‌طلبی قومی-عربی و فرقه سنتی و رادیکال وهابیت در استان خوزستان و مناطق عرب‌زبان شهر اهواز بوده است؛ از این رو مسئله و هدف تحقیق پیش‌رو واکاوی و تحلیل تناقض گرایش جوانان شیعی خوزستان به ایدئولوژی سلفی‌گرایی است که این امر می‌تواند تبعات فراوان امنیتی برای کشور ایجاد کند؛ پرسش اصلی این است که «الگوی پارادایمی داده‌بنیاد گرایش به سلفی‌گری در استان خوزستان (شهر اهواز) چیست؟». این پژوهش می‌کوشد عوامل مؤثر گرایش به سلفی‌گری و وهابیت در خوزستان را مورد واکافی و تحلیل قرار دهد. چه اینکه گرایش جوانان اهواز به تفکر سلفی‌گری و فرقه‌های افراطی می‌تواند امنیت ملی کشور و حتی منطقه را تحت

تأثیر قرار دهد؛ بنابراین با توجه به موقعیت کلیدی و حیاتی استان خوزستان و تحرکات دشمنان منطقه‌ای عربی- غربی و صهیونیستی ایران برای ناامن کردن و جنگ داخلی در کشور ضروری است این مسئله بصورت جامعه‌شناختی مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در مورد دلایل گرایش جوانان به سلفی‌گری در مناطق مختلف ایران بر اساس نظریات بومی نیز برخی آثار پژوهشی نگارش شد که در زیر به مهم‌ترین آنها آورده شده است:

جدول شماره ۱- پیشینه تحقیق و مطالعات ایرانی درباره ریشه‌های رشد سلفی‌گری در کشور

موضوع نگارش شده	نویسندگان	شاخصه‌های گرایش به سلفی‌گری
تأثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	جهانی، محمد (۱۳۹۲)	ساختار اجتماعی متکثر قومی، فرهنگی، مذهبی، فرهنگ‌پذیری و انسجام اجتماعی پایین، تفکرات دیوبندی و گرایش اکثریت مردم این منطقه
واکاوی نقش کشورهای خارجی در ایجاد و حمایت جریان‌های تجزیه‌طلب عرب خوزستان	جلال‌پور، شیوا، حسینی سید عبدالرضا (۱۳۹۶)	نقش اصلی در تحرکات جوانان خوزستان برای بی‌نظمی اجتماعی و گرایش‌های تجزیه‌طلبانه ریشه در مداخلات تاریخی کشورهای بیگانه چون انگلستان، آمریکا و... دارد و از سوی دیگر نزاع هویتی - نژادی کشورهای حوزه خلیج فارس و مطرح کردن خلیج عربی
عملیات روانی سایت العربیه بر عرب‌های خوزستان با تمرکز بر احساس محرومیت نسبی رفاه،	ساسانیان، سعید (۱۳۹۶)	ریشه اصلی گرایش جوانان به رفتارهای هنجارگریز، خشونت‌گرا و تفکرات تجزیه‌طلب ریشه در فعالیت‌های گسترده رسانه‌ای - ماهواره‌ای عربستان دارد که بر روی مشکلات و معضلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برخی مناطق مرزی ایران زوم کرده و به تحریک احساسات جوانان می‌پردازد
بررسی و تحلیل تحرکات سیاسی و قومی گروهک‌ها شبه‌نظامی بر امنیت شرق جمهوری اسلامی ایران	سرگزی، محمدامین و همکاران (۱۳۹۸)	زمینه‌های داخلی چون فقر اقتصادی و فرهنگی، ترکیب قومی و مذهبی، موقعیت مرزی شرقی کشور، ضعف ژئوپلیتیک، اکثریت اهل تسنن، مدارس مذهبی اهل سنت، مجاورت جغرافیایی با پاکستان و افغانستان، بسترهای بیرونی: همسایگی با کشور بی‌ثبات پاکستان، هوشیاری دشمنان و معاندین انقلاب، تبلیغات رسانه‌ای و مالی عربستان و هابی، تحصیل در مدارس تبلیغی پاکستان، شکل‌گیری نیروهای نفوذی و جاسوسی در مدارس پاکستانی، شیعه‌ستیزی

ادامه جدول شماره ۱-

موضوع نگارش شده	نویسندگان	شاخصه‌های گرایش به سلفی‌گری
پیامدهای جریان سلفی - گری در استان کردستان	بهرامی، فردین و نجفی، علیرضا (۱۳۹۴)	مجموعه عوامل داخلی (فقر فرهنگی و حاشیه‌نشینی، میزان تحصیلات، قومیت و مذهب، بیکاری، اختلافات قومی و زبانی، عدم توجه به آموزش در مناطق حاشیه‌ای و شهری، هم‌مرزی با کشور عراق، وجود گروه‌های تجزیه‌طلب، عدم کنترل مرزها) عوامل خارجی: همکاری‌های امنیتی - اطلاعاتی کشورهای همسایه، حضور نیروهای بیگانه آمریکایی اسرائیلی در کشورهای افغانستان، پاکستان، عراق، عدم همکاری عراق، اما در مجموع نقش عوامل خارجی پررنگ‌تر بوده است.
تبیین جامعه‌شناختی و اولویت‌بندی زمینه‌ها و بسترهای محرک پیوستن پیکارجویان به گروه تروریستی داعش از منظر صاحب‌نظران ایرانی	مرادی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۷)	در این مقاله اولویت‌سنجی و درجه اهمیت مؤلفه‌ها به ترتیب شامل مواردی چون: تبعیضات (شغلی، درآمدی، استخدامی، خدماتی، مهارتی و آموزشی) مهاجران، ناامیدی از بهبود شرایط زندگی، سرخوردگی و ناکامی در رسیدن به اهداف آینده، طرد سبک زندگی غربی و بی‌عدالتی اجتماعی اقتصادی، محرومیت نسبی، بیگانگی اجتماعی، حاشیه‌نشینی، فقر و بیکاری، فعالیت منسجم و سازمانی در شبکه‌های مجازی می‌باشد.

این پژوهش ضمن استفاده از مبانی نظری و ادبیات مذکور، می‌کوشید مسئله گرایش جوانان به سلفی‌گری در شهر اهواز را از طریق مصاحبه عمیق مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. پژوهش‌های قبلی به مسئله مذکور نپرداختند و از سوی دیگر به مباحث و مسائل مختلفی در اهواز اشاره کردند که اغلب بر حوزه‌های اقتصادی، تجزیه‌طلبی قومی و ... تأکید داشتند. در این پژوهش تلاش می‌شود به‌دور از انتزاع و کلی‌گویی، شاخصه‌هایی جامعه‌شناختی گرایش جوانان شیعی اهواز به سلفی‌گری را شناسایی کند. در واقع با تحلیل جامعه‌شناختی این مسئله پاسخ و راهکاری مقبول، مطلوب و عقلانی در اختیار نهادها و ارگان‌های مربوطه قرار می‌گیرد.

تعاریف و مبانی نظری

الف- سلفی‌گری و تکفیر

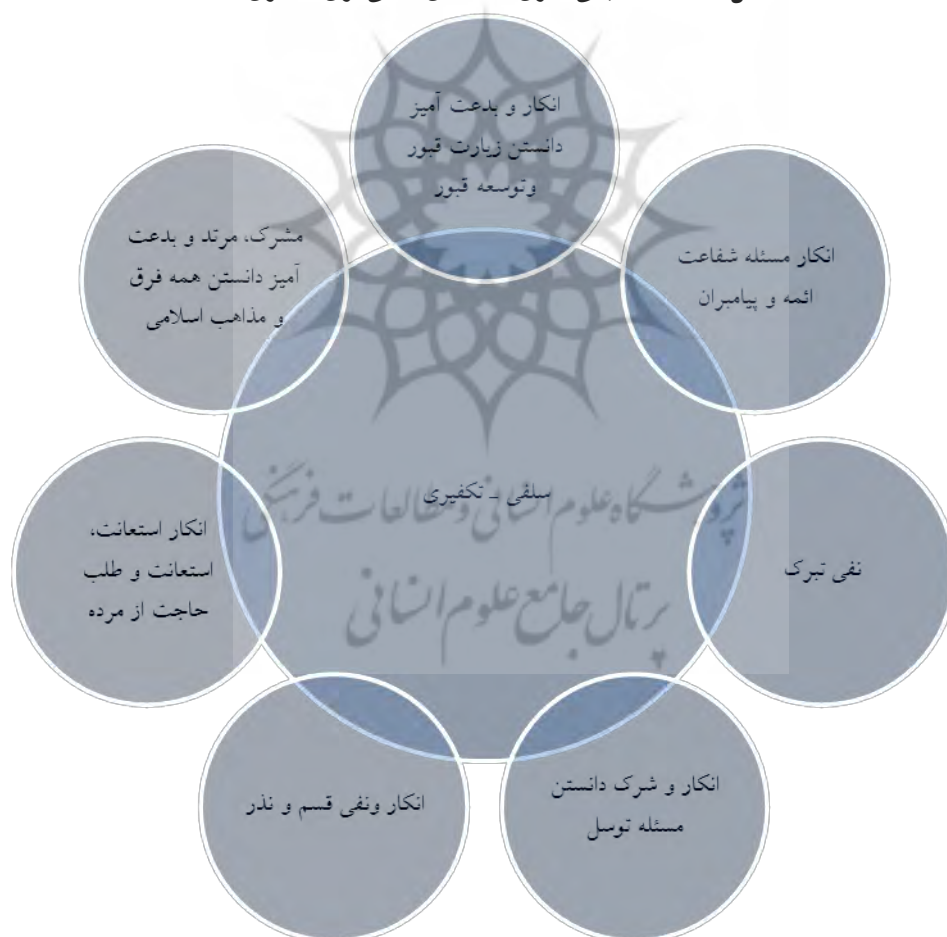
یکی از جریان‌های مهم و تأثیرگذار در جهان اسلام، تفکرات سلفی‌گری^۱ است. در اصطلاح سیاسی سلفی‌گرایی را باید بعنوان یک جنبش اصلاحی در نظر گرفت که بدنبال خروج از وضعیت رکود علمی، فروپاشی سیاسی و سیطره استعماری از طریق دعوت به احیای میراث اسلامی و تلاش برای بازگرداندن چهره اسلام و تطهیر آن از رفتارهایی است که در طول تاریخ از بدعت‌ها و شرک به آن افزوده شده است (عنایت، ۱۳۸۰: ۹۰)؛ یعنی سلفی در اولین اطلاق خود معنایی کاملاً عام (برومند، ۱۳۹۲) و اصولاً واژگانی با بار ارزشی مثبت است (البوطی، ۱۳۷۵: ۲۵۶-۲۵۹). این جریان وضعیت حاکم بر جهان اسلام را نامطلوب و بغرنج تلقی کرده و می‌کوشد با مفصل‌بندی دال‌های اجتهاد، اتباع، نص، سلف صالح، سنت نبوی، نجات مؤمنان و ... پیرامون دال مرکزی توحید، پاسخی به چالش‌های متنوع جهان اسلام عصر حاضر ارائه دهد (عوض پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۷)؛ اما معنای خاص‌تر^۲ سلفی که با توجه به تحولات اخیر افراط‌گرایی در جهان اسلام واجد ابعاد منفی شده، به معنای بازگشت به تعالیم اسلام با الگوبرداری کامل از دوره سلف (سه قرن نخست اسلامی) در قالب تشویق به انفتاح باب اجتهاد (حلبی، ۱۳۸۲: ۲۴۵)، خوانش ظاهری از دین و مخالفت با تفلسف، تصوف، تشیع و ... است. در اینجا سلفی‌گری کاملاً تبدیل به یک گفتمان اسلام‌گرایی حدیثی می‌شود. سنت وهابیت در عربستان، دیوبندی در شبه‌قاره هند و جریان افراطی درون اخوان‌المسلمین در مصر، سه سنت مهم سلفی معاصر در جهان اسلام هستند. برای تبیین تفاوت سلفی‌ها و دسته‌بندی آنها دو مفهوم «مبانی نگرش به دیگران» و «راهبرد نیل به اهداف» را می‌توان طرح نمود. در مورد مبانی نگرش به دیگران باید تأکید کرد جریان سلفی ضمن عدم پذیرش نگرش‌های فقهی، فلسفی، کلامی و مذهبی سایر مسلمانان اما در میزان این مخالفت با دیگر مسلمانان دارای تفاوت جدی هستند، به گونه‌ای که می‌توان آنها را به دو دسته «تقریبی» و «تکفیری» تقسیم نمود. از طرف دیگر گروه‌های سلفی برای نیل به جامعه اصیل اسلامی راهبردهای مختلفی را پی می‌گیرند که می‌توان به چهار دسته «جهادی»،

1. Salafism

۲. در این پژوهش کاربرد مفهوم سلفی - تکفیری اشاره به معنای خاص و مضیق این واژگان دارد.

«سیاسی»، «تبلیغی» و تکفیری اشاره نمود (آدمی و مرادی، ۱۳۹۴: ۴۳ - ۴۵). در مجموع تمامی گروه‌های سلفی - حدیثی فوق به لحاظ اندیشه در قالب معانی سلفی (توحید، سنت، قرآن و سلف) قرار گرفته و باورها و انگاره‌های آنان (بدعت، جاهلیت، حاکمیت و امت) باعث بروز هنجارهای رفتاری (تکفیر و جهاد) در آنها می‌گردد. لذا محوریت اصلی تفکرات جریان سلفی - تکفیری را تخریب مبانی عقیدتی شیعیان و دیگر گروه‌های اسلامی غیرهمسو با خود تشکیل می‌دهد. در زیر به مهم‌ترین شبهات و مسائلی که برای تخریب مبانی عقیدتی سایر جریان‌های اسلامی و متهم کردن آنها به بدعت و فاصله گرفتن از آموزه‌های اصیل اشاره شده است:

شکل شماره ۱- مبانی نظری و رفتاری سلفی‌گری تکفیری



ب- رهیافت‌های نظری درباره خشونت و افراط‌گرایی

امروزه مسئله گرایش جوانان به گروه‌های رادیکال و انجام کنش‌های نابهنجار از جمله معضلاتی است که اغلب کشورهای دنیا بخصوص کشورهای دارای تنوع و تکثر فرهنگی، مذهبی و اجتماعی با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در همین زمینه رهیافت‌های نظری مختلفی در حوزه‌های جامعه‌شناختی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از سوی اندیشمندان و تحلیل‌گران ارائه شده است. شماتیک کلی رهیافت‌ها و نظریات کلان ارائه شده برای تحلیل و بررسی رفتار و کنش فردی و جمعی خشونت‌آمیز و گرایش به تروریسم در مناطق مختلف دنیا و الگوی بومی آن در مناطق مختلف ایران در جدول زیر آورده شده است:

جدول شماره ۲- مهم‌ترین رهیافت‌های نظری درباره علل و شاخصه‌های گرایش به افراط‌گرایی

رهیافت	نظریه	نظریه‌پردازان	مؤلفه‌ها
اقتصادی	محرومیت نسبی	رابرت گر لاکوئر	فشار و محرومیت حاکم در زندگی فردی و اجتماعی، سطح انتظارات و توقعات شهروندان و گروه‌های اجتماعی
	مبارزه طبقاتی	کارل مارکس و مارکس‌گرایان	فقر مالی، شکاف طبقاتی محرومیت، عقب‌ماندگی، تنگناهای اقتصادی و نداداری،
	توقعات فزاینده	جیمز دیویس	انتظارات فردی و جمعی و واقعیت‌های موجود جامعه
	استعمار داخلی	مایکل هشتر	احساس تبعیض سیستماتیک اقتصادی در یک جوامع ناهمگن قومی، فرهنگی و مذهبی
سیاسی	توسعه نامتوازن	ساموئل هانتینگتون و پرواند آبراهامیان	ساختار ناهمگن و نامتوازن توسعه اقتصادی - سیاسی نظام حاکم
	بحران مشروعیت و مشارکت	گابریل آلموند، هانتینگتون، فایرابند، لاکوئر	بسته بودن فضای سیاسی، نبود سازوکارهای انتخابی و پاسخ‌دهنده به مطالبات گوناگون، نبود فضا و فرهنگ سیاسی مشارکتی
	بسیج جمعی	چارلز تیلی	عدم نهادینه بودن شرایط برای بیان خواسته‌های عمومی، افزایش آگاهی خواسته‌های عمومی
	خروج، اعتراض	آلبرت هیرشمن	اعتراض، وفاداری، بی‌اعتنایی، خروج

ادامه جدول شماره ۲-

مؤلفه‌ها	نظریه پردازان	نظریه	رهیافت
شکل‌گیری موج جدید و تغییرات بنیادین در زندگی افراد پس از موج سوم انقلاب انفورماتیک	آلویس تافلر	جابجایی قدرت	فناوری‌های ارتباطی
رسانه‌های جمعی، نهادینه‌سازی تفکر و اندیشه، باورپذیری نمادین	جرج گربرنر	نظریه کاشت	
هویت‌سازی مجازی، تغییر ادراک و ذهنیت‌ها، بازنمایی واقعیت	ژان بودریار	بازنمایی و مجازی‌سازی	
پیچیده شدن روابط قدرت، دهکده جهانی، فشرده‌گی زمان و مکان	ایمانوئل کاستلز	جامعه شبکه‌ای	
غریزه و میل طبیعی	زیگموند فروید، اریک فروم و...	نظریه غریزی و زیست‌شناختی	روان‌شناختی
فرد و برداشت‌های وی	آلفرد آدلر، کارن هورنای و...	اختلالات فردی	
عوامل محیطی و بیرونی	آلبرت بندورا	یادگیری اجتماعی	
روابط اجتماعی بی‌ثبات و غیره همگن، ناکامی و محرومیت مستمر	اروینگ گافمن، لئونارد بروکوویتز، جان دالرد	داغ ننگین - ناکامی - پرخاشگری	
تغییر و تحولات و کم - کیف ساختار بافت جامعه، اعتقادات مذهبی، فرهنگ سیاسی - اجتماعی، تحركات فرهنگی - اجتماعی، پایگاه اجتماعی، طبقات و منزلت اجتماعی.	آمارتیا سن، کاستلز، جان برتون	هویت‌جویی	جامعه‌شناختی
هم‌نشینی با همسالان بزهکار و افراد گرایش یافته	ساترلند	هم‌نشینی افتراقی	
تضاد، بحران و تنش در زندگی فردی و اجتماعی	کارل مارکس، ماکس وبر، کارل مانهایم، ارزش فروم	از خودبیگانگی	
عدم توازن فضای اقتصادی - اجتماعی، شکاف‌های اجتماعی و فشار سیستم اجتماعی	آلبرت کی کوهن	منزلت اجتماعی	
ذاتی و فطری بودن خشونت در برخی فرهنگ‌ها، آموزه‌های مذهبی و قومی و باورهای سنتی متعصب	لونزو، هربرت اسپنسر، باندورا	فرهنگ خشونت	
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	جیمز میلر	فرهنگ طبقه پایین	

در جمع‌بندی نظرات فوق باید گفت که گرایش به تفکرات رادیکال؛ مسئله‌ای پیچیده، تودرتو و غامض است که هر کدام از رویکردهای فوق از یک جنبه به تحلیل آن پرداخته‌اند. برای تحلیل جامع آن باید رویکرد همه‌جانبه فراتحلیل به این مسئله داشت؛ بدین معنی که هر کدام از رویکردهای فوق یک قطعه از این پازل ناهنجاری اجتماعی (گرایش به تفکرات سلفی‌گری تکفیری) را به ما نشان می‌دهد. با توجه به بافت، ساخت سنتی و قومیتی و هویتی اعراب در اهواز، نگاه و نگرش تک بعدی ناقص خواهد بود لذا باید با رویکردی جامع، این مسئله را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

پ- تروریسم سلفی تکفیری در خوزستان

قوم عرب از لحاظ پراکندگی جغرافیایی، بخش اعظمی از استان خوزستان را تشکیل می‌دهند. زبان آن‌ها عربی و بیش از ۹۹ درصد آن‌ها داری مذهب شیعه اثناعشری‌اند. آن‌ها دارای آداب و رسوم خاصی چون پیوند خونی مستحکم، سرسخت و مساوات جو، عزت نفس، مهمان‌نوازی، صحت قول و وفاداری به عهد، پایبندی به اصول اخلاقی، غیرت، کرم و گشاده‌دستی، حل و فصل نزاع به وسیله اصل "فصل" و ... اند که این خصایص آن‌ها را در میان اقوام ایران زبانزد کرده است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۵). تجزیه‌طلبی در استان خوزستان به دوران استعمار و حمایت انگلستان از «شیخ خزعل» بازمی‌گردد. پس از آن رشد ناسیونالیسم عربی در حزب بعث عراق و جریان ناصری در مصر باعث گردید که این کشورها موضوع جدایی‌طلبی خوزستان از ایران را در سطوح مختلف گفتمان‌سازی، تبلیغات سیاسی، حمایت اطلاعاتی و نهایتاً اقدامات تروریستی- جاسوسی دنبال نمایند. بر همین اساس «جبهه التحریر الاهواز» در سال ۱۳۴۲ش تحت حمایت رژیم عراق و با هدف تجزیه استان خوزستان تشکیل شد که در دوران جنگ تحمیلی نیز بعنوان شعبه حزب بعث به عوامل ستون پنجم عراق در مناطق مختلف خوزستان تبدیل شد.

در طول سه دهه اخیر پس از جنگ تحمیلی، جریانات قوم‌گرای عربی دچار تضعیف شدیدی شدند که عمدتاً ناشی از افول گفتمان پان عربی در سطح منطقه، اشراف

۱. فصل یکی از آداب و رسوم محلی قوم عرب جهت حل و فصل نزاع و درگیری‌های محلی، طایفه‌ای در مناطق مختلف قوم عرب در استان خوزستان است.

اطلاعاتی نظام جمهوری اسلامی و برجسته بودن هویت شیعی در اعراب خوزستان بعنوان محور همبستگی با سایر استان‌های کشور بود اما همزمان برخی جریان‌های عرب‌گرا با حمایت عربستان و امارات با تغییر مذهب، رویکرد جهادی- تکفیری را پیگیری کردند که در این زمینه می‌توان به ایجاد «حرکه سنی» در سال ۱۳۶۹ش اشاره نمود. هم‌اکنون «حرکه النضال العربی لتحریر الاھواز» فعال‌ترین گروه قوم‌گرای- سلفی عربی، دارای فعالیت سیاسی و اقدامات تروریستی است که هرچند در دانمارک مستقر است اما شبکه خود را در ۵ کشور اروپایی و کانادا ایجاد کرده است. شاخه نظامی این گروه موسوم به گردان‌های «محمّد الدین آل ناصر»، آشکارا شیوه مسلحانه و تروریستی را برگزیده و اخبار اقدامات تروریستی خود را با نام «مقاومت عرب الاحواز» صادر می‌نماید. بدنه اجتماعی اندک جریان‌های تکفیری در سطح استان خوزستان شامل جوانان سرخورده از وضعیت اجتماعی و اقتصادی که عمدتاً از طریق کمک مالی جریان تبلیغی سلفی گرایش «وهابیت سیاسی» و همزمان «قوم‌گرایی شدیدی» پیدا کرده و توسط دشمنان خارجی تجهیز و مدیریت می‌شوند.

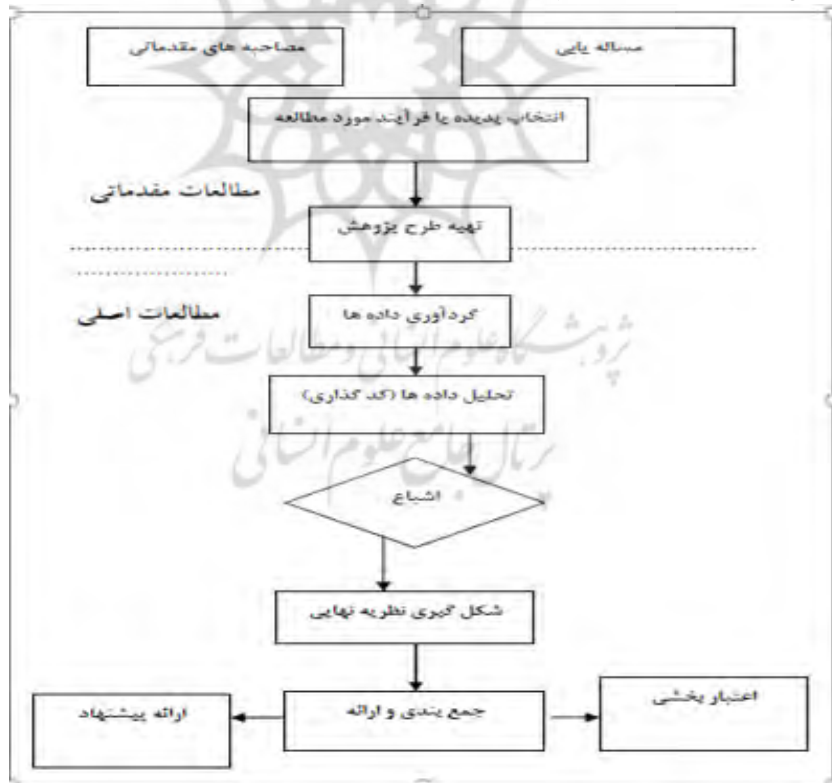
روش تحقیق

الف- نظریه داده‌بنیاد

این پژوهش بر اساس نظریه داده‌بنیاد، بعنوان یکی از روش‌های مطرح در پژوهش‌های کیفی انجام شد. نظریه داده‌بنیاد ابتدا در سال ۱۹۶۷ توسط گلنزر و استراوس ابداع شده و در کتاب مشهور آنها با عنوان «کشف نظریه داده‌بنیاد» منتشر شد. آنها این روش را یکی از بنیادی‌ترین کشف‌های روش‌شناختی در علوم اجتماعی قلمداد کرده‌اند که می‌تواند به تولید معرفت متقن و باورپذیر منتهی شود (Glaser & Strauss, 1967: 32). داده‌بنیاد یک روش‌شناسی اکتشاف نظریه استقرانی است که محقق در چارچوب نظری، ویژگی‌های عمومی یک موضوع را مشخص می‌کند و بصورت همزمان، چارچوب خود را بر مشاهدات یا داده‌های تجربی استوار می‌سازد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۷). در این روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و نظریه احتمالی نهایی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند و محقق بجای پیش‌فرض گرفتن یک نظریه با ورود به حوزه مورد مطالعه به داده‌ها اجازه می‌دهد تا نظریه را پدید آورند (استروس و کرین، ۱۳۹۷: ۶۵-۷۲، پورسلیم و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷).

رهیافت منتخب به نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، بر لزوم استفاده از چند گام مشخص به‌منظور تحلیل داده‌ها تأکید می‌کند کدگذاری باز، محوری و انتخابی (استروس و کربین، ۱۳۹۷: ۱۱۵). در نهایت بر توسعه یک الگوی پارادایمی و یا یک تصویر بصری از نظریه تولید شده تأکید می‌شود. برای ترسیم نهایی پارادایم از مقوله‌های زیر استفاده می‌شود: ۱- مقوله محوری (صورت ذهنی حاصل از پدیده‌ای که اساس فرایند است)، ۲- شرایط علی (مقوله‌های مربوط به شرایطی است که بر مقوله محوری اثرگذار است)، ۳- شرایط زمینه‌ای (مقتضیات یا عوامل زمینه‌ای که بر تحقق راهبردها اثرگذار است)، ۴- شرایط واسطه‌ای (موانع یا شرایط زمینه‌ای که بر تحقق راهبردها ممانعت ایجاد می‌کنند)، ۵- راهبردها (کنش‌ها یا برهم‌کنش‌هایی که از پدیده اصلی منتج می‌شوند) و ۶- پیامدهای (خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها) (کرسول، ۲۰۰۵: ۴۰۰ - ۴۰۲). مراحل و فعالیت‌های پژوهش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در شکل زیر نشان داده شده است:

شکل شماره ۲- روند اجرای پژوهش با نظریه داده‌بنیاد (دانایی‌فرد و اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۵ - ۴۷)



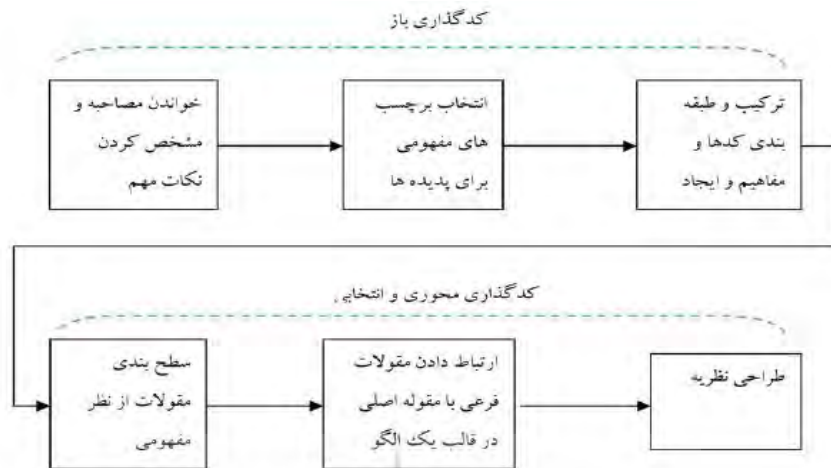
ب- جامعه آماری

در نظریه داده‌بنیاد، پژوهشگر باید مواردی را انتخاب کند که به او در ساخت نظریه کمک کنند. ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان در این روش، متأثر از طرح و هدف پژوهش است. از آنجایی که هدف پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در گرایش جوانان اهواز به تفکرات سلفی‌گری - تکفیری است، پژوهشگر بدنبال افرادی بود که به این تفکرات پیوسته‌اند و یا افرادی که تجربه و تخصص کافی با این مسائل داشته‌اند، به‌نحوی که بتوانند مشارکت اثربخش و اعتمادپذیری را برای پژوهش ایجاد کنند. از این نظر شیوه انتخاب آنها برای برخی از این افراد گرایش یافته، هدفمند و برخی از نخبگان و صاحب‌نظران و افراد صاحب‌منصب در شهر اهواز از نوع گلوله برفی بود تا بتوان از طریق افراد انتخاب شده درک عمیقی از موضوع مورد مطالعه برای ساخت نظریه بدست آورد؛ بنابراین برای انتخاب مشارکت‌کنندگان دو ملاک به شرح ذیل اتخاذ شد که داشتن یکی از این دو شرط الزامی بود. نخست تجربه زیستی و عملی یعنی افرادی که به این تفکرات پیوسته بودند و یا پس از آگاهی یافتن از تفکرات انحرافی فرقه وهابیت توبه کرده‌اند و هم اکنون به روشنگری در جامعه خوزستان اقدام کرده‌اند. دوم تخصص علمی افرادی که دانش کافی در زمینه جریان‌های قومی، تغییر و تحولات سیاسی - اجتماعی استان خوزستان و تفکرات سلفی‌گری داشته‌اند. همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق استفاده شد.

تجزیه تحلیل داده‌ها

به‌رغم اینکه برای اطمینان کامل تعداد بیست مصاحبه صورت گرفت اما در نفر ۱۷ پس از اشباع نظری، به کدگذاری و تجزیه تحلیل متن پیاده شده اقدام شد. در شکل زیر مسیر انجام و تکمیل تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق آمده است:

شکل شماره ۳- روند کدگذاری در پژوهش داده‌بنیاد



(فراسنخواه، ۱۳۹۶: ۲۲۰- ۲۴۲)

الف- کدگذاری باز: در این پژوهش، مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از پیاده‌سازی با استفاده از روش تحلیل محتوا بصورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی و سپس بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شدند.

ب- کدگذاری محوری: در این مرحله نیز در پی یافتن رابطه موجود میان طبقه‌ها، مقوله تعیین محتوا بر اساس ویژگی‌های ارتباط با سایر مقولات، محور بودن در پژوهش، تکرار در داده‌ها و انتزاعی بودن بعنوان مقوله محوری پژوهش، انتخاب و مطالعه شد و سایر مفاهیم نیز در قالب شرایط علی، مقوله محوری، راهبردها، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدهای طبقه‌بندی و بصورت نظری در قالب مدل پارادایمی به هم مرتبط شدند.

پ- کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه‌پردازی): در این مرحله نیز با توجه به مفهوم‌ها و کدهای شناسایی شده، گزینش نهایی انجام شد و پژوهشگر در پی یکپارچه‌سازی و خالص کردن تحلیل‌های خود به منظور پدیداری مقوله اصلی برآمد. در این مرحله سعی بر آن است که مقوله‌ها به گونه‌ای انتخاب شوند که مقوله اصلی استخراج شده، عمده مفاهیم پدید آمده در مراحل قبل را پوشش دهد (پورسلیم و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹).

با توجه به مقدمات تئوریک، کوشیده شد در قالب رویکرد گزندتئوری و اصول کدگذاری‌های آن به مدل پارادامیک و یافته‌های تحلیلی دست یابد. فرایند تحلیل

داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها نیز با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه داده‌بنیاد، هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها و بصورت دستی، طی سه مرحله کدگذاری انجام شد. در زیر به مختصری از این روند اشاره شده است:

جدول شماره ۳- نمونه از روند کدگذاری مصاحبه‌ها^۱

مفهوم	شاخص
	<p>ساخت و بافت قبیله‌ای: «یعنی ما به‌عنوان یک عرب احساس می‌کنیم در ادارات هیچ هویتی از زبان، آداب و رسم ما در شبکه استانی نیست؛ و این همه به این برمی‌گردد که ما هویت و نژاد متفاوتی با اکثریت ایرانیان در ریشه و اساس داریم. ما برای خودمان یک دولت و ایالت مستقل و کشور خاص با زبان و فرهنگ خاص بودیم، دولت مرکزی و فارسی زبان ایران در زمان رضاشاه به ایران تجاوز کرده و اهواز را به اشغال خود درآورد. ما به‌عنوان یک عرب باید غیرت داشته باشیم که آن‌ها را از ایران جدا سازیم ما باید لباس عربی بپوشیم زبان عربی درس بخوانیم». «پدرم اصلاً به حرف‌هایم احترام نمی‌گذاشت پدرسالاری محضی در خانواده ما حاکم بود هیچ حرفی انتقادی در خانواده ما پذیرش نداشت، همیشه حرف اول و آخر را در خانواده ما پدرم می‌زد، وی اصلاً به حرف‌های بقیه اعضای خانواده به‌خصوص مامانم احترام نمی‌گذاشت. این شرایط از بچگی تاکنون در خانواده‌ی ما حاکم بود.»</p>
فرهنگی-اجتماعی	<p>مسائل قومی - هویتی: «به‌طورکلی در جمع ما از ما هم افرادی چون شعیاد و عماد وجود داشتند که بهترین راه و روش جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران و بازگشت به هویتی عرب به مردم منطقه را توسل به وهابیت مطرح می‌کردند و معتقد بودند که این‌ها می‌توانند پشتوانه‌ی مالی و معنوی برای ما باشند چراکه ما هرچند از مذهب با هم متفاوتیم اما از لحاظ هویتی و نژاد با آنها یکی هستیم.»</p>
	<p>جهل دینی و شبهات عقیدتی: «دلایل مختلفی در تغییر مذهب من نقش داشتند. شاید بتوانم مهم‌ترین آن‌ها را جهل در امور دینی و عقیدتی بیان کرد. مثلاً من که پنج، شش سال تغییر مذهب دادم و سنی - وهابی شدم اگر از من بپرسند شیعه چی هست جوابی ندارم. دیگری نیز می‌گوید: «به نظر خودم مهم‌ترین دلیل پیوستن به این گروه‌های تروریستی و دستگیری نادانی، چراکه هرچی بهم می‌گفتند، قبول می‌کردم... طبق دلایلی که برایم می‌آوردند، نمی‌توانستم مخالفت کنم و عقیده‌ی آن‌ها را نفی کنم». «من خودم هم وهابی شدم ولی اصلاً نمی‌دانستم وهابیت و سلفیت و اهل سنت چی هست». بحث نذر، قربانی، استعانت، توسل، شفاعت و ... از دیگر مواردی بود که در جلسات مختلف برای کوبیدن شیعه به آن‌ها استناد می‌کردند و از آنها به‌عنوان راز نیاز برای غیر خداوند اشاره می‌کردند. آنها همواره می‌گفتند که شما یک آیه از قرآن بیاورید که بر اهمیت نذر، شفاعت از امام حسین و حتی خود پیامبر اشاره کرده باشد... من وقتی این‌ها را می‌شنیدم می‌گفتم نکند من خود دارم اعمال مشرک انجام می‌دهم خودم هم نمی‌دانم...».</p>

۱. لازم به تذکر است که نظرات مصاحبه شونده‌گان با توجه به تاثیرپذیری آنان از گرایش سلفی و القانات ضدایرانی گروه‌های تجزیه‌طلب، صرفاً جهت تبیین کامل موضوع برای خواننده آورده می‌شود. بدیهی است که هیچکدام از این مطالب مورد تایید فصلنامه و نویسندگان نمی‌باشد.

ادامه جدول شماره ۳-

شاخص	مفهوم
<p>ناکارآمدی نهادهای فرهنگی - تربیتی: «پس از اینکه نتوانستم از طریق روحانی محل پاسخ مناسبی برای شبهاتم دریافت کنم، تصمیم گرفتم برای حل این شبهات به حوزه علمیه شهر اهواز مراجعه کنم... اما در اینجا هم با من به‌تندی برخورد و رفتار کردند و من را بیرون انداختند. من گفتم حتماً این مسائل و شبهاتی که شبکه وصال علیه عقیده شیعیان می‌گویند، درست و مطابق با قرآن و سنت رسول‌الله است و چون عقیده شیعیان باطل و خرافاتی است این روحانی و حوزه علمیه این‌گونه با من به بدی رفتار کردند... پس حتماً به کاسه‌ای زیر نیم کاسه هست...؛ بنابراین با انگیزه دوچندان برنامه‌های شبکه وصال را پیگیری می‌شدم. پس از مدتی به این اطمینان قلبی رسیدم و تغییر مذهب دادم». همچنین یکی دیگر از افراد پیوسته به این تفکرات می‌گوید «زمانی که دیدم استادم جواب شبهاتم را نمی‌دهد، گفتم به حسینیه محل برم وقتی که از روحانی حسینیه در مورد این شبهات سؤالانی پرسیدم وی جواب داد که این سؤالات خطرناک است؛ چراکه امروزه موجی در اهواز شکل گرفته که با شبهه‌پراکنی جوانان اهواز را سنی و وهابی کنند؟ من گفتم حالا حرف شما درست ولی شما جواب شبهات و مسئله‌های جوانان را به من بگویید تا من برم و به جوانان پاسخ دهم و آنها را بازدارم ولی چیزی بهم نگفت...».</p>	فرهنگی-اجتماعی
<p>فضای مجازی (واتساپ، تلگرام، اینستاگرام و...): «من سال ۹۰ بود که گوشی گرفتم. من شبانه‌روز ۴ ساعت حداقل در اینترنت بودم. در ابتدا واتساپ و تلگرام را برای رابطه عاشقانه‌ای داشتم ولی پس از اینکه تغییر عقیده دادم برای دانلود فیلم در یوتیوب، آپارات و ... از گوشی هوشمندم استفاده می‌کردم. پس از اینکه عقیده داعش را پذیرفتم هم اغلب کلیپ‌ها و اناشید صوتی و تصویری داعش در ولایت مختلف چون ولایت خراسان، ولایت رقه، ولایت موصل و... را نگاه می‌کردم... ما در تلگرام، واتساپ و اینستاگرام و فیسبوک کتاب‌های مختلفی عقیدتی و توحیدی مطالعه می‌کردم و به این نتیجه رسیده بودیم که دین و عقیده فعلی ما مشکلات فراوانی دارد». در ادامه یکی از خانم‌های گرایش یافته به این جریان‌ها می‌گوید «من در اینستاگرام با حسام بلوچ آشنا شدم، وی من را عضو یک گروهی بنام احیا خلافت کرد که یک گروه عمومی بود و ۵۰ نفر عضو داشت؛ ابو عمر مدیر این گروه بود و همه به زبان فارسی صحبت می‌کردند، بعد از مدتی من را عضو کانال دیگری بنام خلافت بغداد کردند که همه عراقی بودند؛ به‌طور کلی من در فضای مجازی به‌خصوص تلگرام، اینستاگرام، فیسبوک و واتساپ عضو بودم ولی بیشتر کارام در تلگرام بود؛ من در تلگرام حدود ۹ آی دی که اغلب آن‌ها هم به نام‌های مختلف بوده‌اند، مشارکت داشتم... در ابتدا یک آی دی خاص که مال شماره خودم بودم بیشتر نداشتم ولی خلود دوستم به من گفت که این کار خیلی خطرناک هست چراکه هر لحظه امکان دارد در تور شبکه‌های نیروهای امنیتی و اطلاعاتی بیفتی؛ در همین اساس به نرم‌افزار ساخت شماره‌های مجازی با پیش‌شماره (+۰۱) خط آمریکا به من معرفی کرد و نحوه ساخت شماره مجازی (وهمی) را به من یاد داد و من چند شماره آی فیک ساختم و با آن فعالیت می‌کردم؛ من در اینستاگرام هم فعال بودم و یک پیجی داشتم که ۹۰۰ نفر عضو داشت. در اینجا هم به پخش فیلم، عکس و تصاویری می‌پرداختم. مثال یک‌بار یک فیلم از عملیات انتحاری پخش کردم، یک‌بار فیلمی از صحبت‌های ابوحسن المهاجر از سخنگوی سابق داعش و دیگر فرماندهان داعش پخش کردم».</p>	تکنولوژیکی - ارتباطی

ادامه جدول شماره ۳-

شاخص	مفهوم
<p>ماهواره و رسانه‌های عرب‌زبان: «ما اخبار ایران را اصلاً دنبال نمی‌کردیم ... تمام حوادث و اخبار را از شبکه‌های ماهواره‌ای دنبال می‌کردیم چون معتقد بودیم تلویزیون ایران اصلاً واقعیت‌ها را به‌طور خاص مسائل و مشکلات استان خوزستان را نمی‌گوید و هیچ برنامه‌ای برای بهتر شدن اوضاع در مناطق عرب‌نشین خوزستان ندارد... ما حتی خبر حمله به رژه نیروهای مسلح را از بی‌بی‌سی دیدیم. ما شبکه‌های ماهواره‌ای مختلفی در حوزه فیلم، اخبار، تحلیل و بررسی نگاه می‌کردیم... مهم‌ترین آن‌ها هم شبکه من و تو، ایران اینترنشنال، صدای آمریکا، شبکه جهانی کلمه، شبکه وصال، شبکه نور، المستقله، العربیه، الجزیره و... از جمله مهم‌ترین آن‌ها بودند که ما مرتب در برخی برنامه‌های عقیدتی و سیاسی - اجتماعی و تحلیلی آن‌ها را دنبال می‌کردیم»</p>	<p>تکنولوژیکی - ارتباطی</p>
<p>وفور محتوای مرتبط با گرایش‌های سلفی تکفیری در اهواز: «شبکه وصال، المستقله، شبکه جهانی کلمه، ایران اینترنشنال، الاحوازیه و چندتا شبکه مرتبط با کشورهای عراق بعثی، کویت، قطر، عربستان و... را در برخی از شب‌ها قبل از تغییر مذهب نگاه می‌کردم، که در من به‌عنوان جرقه خیلی مؤثر واقع شد.»</p>	
<p>فقر و بحران بیکاری و اشتغال: «دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است نمی‌شود یک دلیل خاص را نام برد ولی من خودم بگم راستش دلیل اصلی بیکاری وجود فقر در جامعه است، جوانانی که کار ندارند، شاغل نیستند به‌راحتی جذب این جلسات و هم‌نشینی دوستان می‌شوند اگر شاغل باشند هر کسی سرش تو لاک کارهای خودش هست اصلاً خستگی کار کردن مهلتی به افراد نمی‌دهد که به کاری دیگر فکر کنند؛ امروزه این حرکت‌ها فقط منحصر به عرب زبان‌ها نیست حتی فارسی‌زبان‌ها هم از برخی سیاست‌های اقتصادی در استان خوزستان ناراضی‌اند و در طی سال‌های اخیر اعتراضات در برخی شهرها چون هفت‌تپه، بهبهان، ماهشهر، اهواز و... هم بوده‌ایم... که برخی از آن‌ها با حمایت‌های مالی و شبکه‌ای از بیرون انجام می‌شدند.»</p>	<p>اقتصادی - معیشتی</p>
<p>رقابت‌های ایدئولوژیک منطقه‌ای بین ایران و عربستان: «در حال حاضر تعداد ۱۰ شبکه ماهواره‌ای به نام‌های المجدد الحکمه، العفاسی، الرساله، الفجر، المستقله، البدر، شادا، التجاه و الجزیره و تعداد ۹ کانال رادیویی، تبلیغات وسیعی را در این خصوص انجام می‌دهند و افرادی را نیز جذب این جریان ضاله نموده‌اند. علاوه بر این‌ها ما شاهد فعالیت شبکه‌های فارسی‌زبان چون ایران اینترنشنال، من تو، بی‌بی‌سی فارسی، رادیو فردا و ... هستیم که فقط بر نقاط منفی ایران تأکید دارند و سعی می‌کنند از این طریق به اعتراضات مردمی دامن بزنند.»</p>	
<p>فشارهای استکبار جهانی به رهبری آمریکا: «یک بخشی از این طرح، خوزستان است که به‌عنوان یک جامعه عرب تمام‌شعبی و دروازه ورود تشیع بوده است. خوزستان در این طراحی، دروازه ورود فرهنگ عربی از کشورهای عربی سنی‌نشین می‌تواند باشد بخش دیگری هم هست که این‌ها تلاش کردند در تمام قومیت‌ها، در قومیت بلوچ، کرد و ترک تحرک جدایی‌طلبی را ایجاد کنند که قوم عرب هم یک بخش از این طراحی است.»</p>	<p>عوامل خارجی</p>
<p>رقابت تمدنی میان اسلام و دولت‌های غربی: به نظر من با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، جبهه امپریالیسم و سکولاریسم جهانی دچار شکستی سخت و تاریخی شد. با توجه به همین شکست بود که جبهه غرب در کمین جهان اسلام نشسته و اکنون پس از سال‌ها با توطئه‌های فراوان فضا را برای بهره‌برداری‌های شوم برای خود مهیا کرده است؛ در جهت مقابله با ماهیت فرهنگی - مذهبی انقلاب ایران آخرین مرحله آن راه‌اندازی گروه‌های تکفیری است.»</p>	

ادامه جدول شماره ۳-

شاخص	مفهوم
<p>پناهندگی و اقامت رایگان به فعالین و تجزیه‌طلبان: «حرکت‌های تجزیه‌طلبی در منطقه ما را قبلاً شنیده بودم؛ ولی آن‌طوری که من فهمیده بودم می‌دانم که در زمان‌های قبل این حرکت‌ها وابسته به برخی کشورهایی چون انگلستان، کانادا، سوئد، امریکا، عربستان و... بودند که بر روی برخی فعالان قومی برای نامنی در خوزستان تلاش می‌کردند» اما وارد گروهی شدیم که عوده عفرای از نظر فکری و عملی فرماندهی این گروه را بر عهده داشت. این گروه با افکار پلیدش می‌خواست منطقه را ناامن و مشوش و مکان‌های مختلف ولوله‌های نفت را منفجر کند؛ چند بار با سیدطاهر آل‌نعمه در کشور کانادا که مسئول گروه تجزیه‌طلب «حرکت‌التحریر الوطنی» است ارتباط برقرار کردم. بعد از آن با سید صباح موسوی مسئول گروه تجزیه‌طلب «حزب النهضه» که باز هم در کشور کانادا است و ابوبشار یا همان محمود احمد مزعه که در کشور انگلیس و رئیس گروه تجزیه‌طلب «جبهه دموکراتیک مردمی خلق عرب اهواز» است، ارتباط برقرار کردم.</p>	عوامل خارجی
<p>نگرش امنیتی به استان: «باید با ضدانقلاب و تجزیه‌طلب برخورد قانونی کرد اما نباید این چماقی باشد برای کوبیدن خیل عظیمی که جوانان مستعد، متدین و وفادار به انقلاب هستند. خیلی از این جوان‌ها زمان جنگ تحمیلی را درک کردند، در بسیج هستند اما مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند؛ بعنوان مثال همین کارگران هفت‌تپه واقعاً حق دارند اعتراض کنند، چون مطالبات و حق حقوق خانوادگی آنها چند ماهی پرداخت نشده است، ولی تاکنون عمل آن‌چنانی مشاهده نشد، هرچند که اقداماتی صورت گرفت ولی تاکنون تغییر آن‌چنانی ایجاد نکرد، خب این‌ها چطور معترض نشوند».</p> <p>نبود فضای باز سیاسی: «به‌دنبال انتشار این نامه در فضای ماهواره‌ای و رسانه‌های معاند جمع زیادی از مردم عرب‌زبان، اهواز دست به اعتراض‌های غیرمسالمت‌آمیز و حتی بمب‌گذاری در مناطق مختلف اهواز کردند ... برخورد خشن و نبود فضای باز سیاسی برای حل‌وفصل این مسئله ذهنیت بدی در اذهان برخی از این مردم ایجاد کرد».</p>	عوامل سیاسی
<p>فقدان شایسته‌سالاری در پست‌ها و مدیریت استان: یکی از افراد گرایش یافته به تفکرات سلفی‌گری تحت تاثیر القائات شبکه‌های مجازی و شبهات سیاسی - مذهبی ماهواره‌ای گفت: «در ادارات و ارگان‌های مختلف هیچ عربی پست درست و حسابی ندارد، با اینکه اغلب مناطق استان خوزستان را عرب‌زبان‌ها تشکیل می‌دهند، ولی ما در استان خوزستان و حتی در شهرهای عرب‌زبان چون بستان، حمیدیه، آبادان، خرمشهر و... هیچ فرماندار، مدیر مهمی از عرب‌ها نمی‌دیدیم و فقط فارس زبان‌ها در آنجا حکومت می‌کنند و قدرت را در دست دارند... قوم عرب را به‌خاطر نژاد و زبان عربی مورد ظلم و ستم فراوان قرار می‌دادند ... این حس است که اغلب جوان‌های عربی زبان که تغییر مذهب داده‌اند، دارند».</p>	عوامل سیاسی
<p>سیاسی کردن اقوام در گفتمان جناح‌های سیاسی: «ما مشاهده می‌کنیم که برخی جناح‌ها و احزاب برای کسب قدرت و بدون توجه به تبعات امنیتی و سیاسی برای کشور به سیاسی کردن اقوام می‌پردازند و در تبلیغات انتخاباتی خود وعده‌های قومیتی می‌دهند».</p>	عوامل سیاسی
<p>مسائل و شکست‌های عاطفی: «زمانی که راهنمایی بودم بحث براین بود که من را به پسرعمویم بدهند ولی چون وضع خانوادگی عمویم خوب نبود، مادرم مخالف بود... من خودم هم علاقه عجیبی به پسرعمویم پیدا کردم و حاضر بودم با تمام نداری‌هایش بسازم و با وی زندگی کنم. خودم هم شیعه بودم ولی به‌خاطر حسن که همه می‌دانستن، سنی شده، مجبور شدم تغییر عقیده بدهم. مهر ۹۵ او مدخواستگاریم و در ماه بهمن ۹۵ عقد کردیم. من حاضر بودم به‌خاطر حسن خودم را بکشم، به هر دلیل فقط با وی زندگی کنم».</p>	عوامل سیاسی

یافته‌های پژوهش

با بررسی مصاحبه‌های برخی از این افراد که ابتدا اقدام به تغییر مذهب داده‌اند و پس از آن به گرایش‌های سلفی - تکفیری روی آورده‌اند، مشاهده شد که شاخصه‌ها و عوامل زیر در گرایش این جوانان نقش اساسی داشته‌اند:

الف - عوامل فرهنگی - اجتماعی گرایش به سلفی‌گری تکفیری

سطح تحصیلات پایین، بافت و ساخت قومی - قبیله‌ای، فرهنگ مردسالاری و ... از جمله شاخصه‌های قوم عرب‌اند که در کنش و نگرش آن‌ها در حوزه‌های مختلف بی‌تأثیر نبوده است. با توجه به محتوای صحبت‌های بسیاری از این جوانان که اقدام به تغییر مذهب داده‌اند، باید گفت که شاخصه فرهنگی نقش بسیاری مهمی داشته است؛ به طوری که شاید هم‌پا با مسائل اقتصادی نقش بسیار مهمی در گرایش آن‌ها به تغییر مذهب و گروه‌های سلفی - تکفیری نقش داشته است.

مسئله «بحران هویت» یکی از مقولات مهمی بود که از درون مصاحبه با این افراد بدست می‌آید. از این مسئله در حوزه مطالعات روان‌شناختی اجتماعی بعنوان انقباض روانی و فرهنگی و جاده صاف‌کن تفکرات رادیکالیسم و رفتارهای خشن و افراط - تفریطی یاد کرده‌اند. در واقع تک‌بعدی‌سازی هویت، زمینه‌ساز انقباض هویتی در برخی افراد، اقشار و طبقاتی می‌شوند که در یک نظام فرهنگی متنوع و متکثر ارزشی زندگی می‌کنند. بویژه اینکه در یک جامعه فرهنگی - ارزشی متکثر زمانی که افراد، طبقات و اقشار از کسب یک هویت منسجم و متحد که مبتنی بر ارزش‌های خانوادگی، تربیتی، قومی و گروهی ناتوان شوند، به سمت و سوی «هویت منفی» کشیده می‌شوند که آن‌ها را به سمت کنش‌های ناهنجار و پرخاشگر می‌کشاند. در چنین بستری برخی از افراد نمی‌توانند خود را با هنجارها و ارزش‌های مسلط در جامعه وفق دهند و احساس می‌کنند که در چنین چارچوبی هویت آن‌ها پایمال شده و جامعه و قوانین موجود آن‌طور که باید و شاید ارزش‌های آن‌ها را به رسمیت و محترم نشمرده است؛ لذا احساس تحقیری به خود نسبت می‌دهد و می‌کوشد از طریق مختلف این سامان ظالمانه را برهم زند.

«فراوانی معاشرت و ارتباط با دوستان و اقوام ناباب» دیگر مؤلفه مهمی بود که می‌توان برای رفتارهای ناهنجار اجتماعی این افراد بکار برد. در واقع بیشترین عامل که نقش

مؤثری در کنش‌ها و گرایش‌های انحرافی دارد، ارتباط و تعامل با افراد منحرف است. این مسئله نیز در اغلب جوانان گرایش یافته به تفکرات سلفی دیده شد. مهم‌ترین چیزی که اغلب جوانان را به سمت این تفکرات کشانده است، حضور در جلساتی بوده که به صورت مناظره و گفتگو میان چندین نفر از جوانان دارای شبهات عقیدتی برگزار شده بود. در این جلسات جرعه شبهات سیاسی - مذهبی در اذهان آنها زده شده بود و چون منبع در دسترس و مناسبی نیز پیدا نکرده بودند، به راحتی تحت تاثیر این فضا سازی و ایجاد شبهات قرار گرفته و در دام گرفتار شدند.

«پیوند تفکرات تجزیه‌طلبی و سلفی تکفیری» دیگر مؤلفه‌ای است که با توجه به تمایز زبانی، فرهنگی و قومی استان خوزستان در گرایش و کنش اجتماعی جوانان سوق یافته به سلفی‌گری، خود را نشان می‌دهد. آنها اغلب احساس می‌کنند بخاطر هویت و نژاد عربی زبان، آن‌طور که باید و شاید در ساختار و سیستم مرکزی جایگاه و منزلت اجتماعی و سیاسی مطلوب نداشته‌اند. برخی از نخبگان قومی عرب که ساکن کشورهای غربی‌اند با فعالیت در فضای مجازی و ماهواره‌ای در صدد تحریک و تهییج فعالان اجتماعی و سیاسی این قوم بوده‌اند، بر این امر تاکید می‌کنند که تبعیض و بی‌عدالتی‌های سیاسی - اجتماعی در سطح مختلف استان وجود دارد. در بسیاری از این جوانان که اقدام به تغییر مذهب و گرایش به تفکرات سلفی - تکفیری داشته‌اند، ملغمه‌ای از اهداف و نگرش‌های تجزیه‌طلبانه مشاهده شد.

ب- عوامل اقتصادی - معیشتی گرایش به سلفی‌گری تکفیری

با توجه به صحبت‌های اغلب این جوانان و کارشناسان خبره در حوزه مسائل داخلی استان خوزستان، فقر اقتصادی و مالی نقش عمده‌ای در ایجاد شبهات سیاسی، مذهبی، تفکرات تجزیه‌طلبانه و رفتارهای خشن و ناپه‌نچار داشته است. در صحبت‌های اغلب این افراد فقر مالی، خانوادگی، بیکاری و ناتوانی در تأمین معیشت ابتدایی خانواده نقش بسیار مهمی در تغییر عقیده اغلب این جوانان داشته است؛ در کنار این‌ها باید به نفوذ مالی عربستان وهابی و دیگر معاندان انقلاب اشاره کرد که توانستند از این مقوله در استان خوزستان نهایت سوء استفاده را ببرند و با شبکه‌سازی و پخش پول بصورت مستقیم، این افراد را به خود جذب کنند. در نهایت باید گفت آن‌ها با مقایسه وضع اقتصادی خود با کشورهای حوزه

خلیج فارس به این حس و نتیجه رسیده‌اند که دولت، اقدام نفت و منابع گازی موجود در استان خوزستان را استخراج ولی برای خسارات ناشی از جنگ، مشکلات موجود در استان چون بیکاری، مقابله با خشک‌سالی، ریزگردها، کمبود گاز و... درآمدی از نفت کشور را به استان اختصاص نمی‌دهند، لذا به این نتیجه رسیدند که در نظام سیاسی کنونی امکان پیشرفت و توسعه برای مناطق مختلف اهواز بخصوص عرب‌زبان‌ها نیست، پس با این جرعه بهترین کار را تغییر مذهب دیده‌اند.

پ- عوامل سیاسی - امنیتی گرایش به سلفی‌گری تکفیری

این مسئله در حوزه اجتماعی و نظام‌های سیاسی که از تنوع و تکثر قومی، مذهبی و دینی برخوردار هستند بیشتر به چشم می‌خورد. چنانچه در خلال مصاحبه برخی از این افراد مشاهده شد: برخی از آن‌ها خواسته یا ناخواسته به این حس و فکر رسیده بودند که آن‌ها در نظام سیاسی مرکزی ایران، استان، اقوام، دوستان و همسالان فاقد یک جایگاه و منزلت اجتماعی بالا، فاقد شغل و کار برای امرار معاش ابتدایی‌ترین وسایل زندگی عادی خود بوده‌اند. همین ناکامی در تحقق یک زندگی متعادل و رضایتمند آن‌ها را به این حس و فکر برده است که «در نظام سیاسی حاکم، آن‌ها شهروند درجه چند و حاشیه‌ای هستند که در گفتمان حاکم یا نمی‌توانند به شأن اجتماعی بالا دست یافته و تغییری در جایگاه سیاسی - اجتماعی فردی و خانوادگی خود ایجاد کنند و یا تغییری در وضع موجود خود به صورت محسوس ایجاد کنند». برخی از این افراد در تامین شغل مناسب، ازدواج، امکانات زندگی برای خانواده دچار مشکل بودند و برخی دیگر نیز تحت تاثیر القائات رسانه‌ای و جنگ شناختی معاندین، سیستم و ساختار سیاسی - اقتصادی و فرهنگی حاکم بر کشور و به‌طور اخص استان خوزستان را تبعیض‌آمیز و ظالمانه در ذهن خود قلمداد کرده بودند. برخی از آن‌ها علت اصلی نهادینگی آن را وجود نفت و شرکت‌های تولیدی فولاد پتروشیمی و منابع نفتی، آبی، کشتی‌رانی و وقوع جنگ تحمیلی در نظر گرفته بودند که باعث مهاجرت فارس زبان‌های غیره بومی به این منطقه و از طرف دیگر مهاجرت افراد بومی عرب‌زبان این مناطق به بسیاری از کشورهای منطقه و برخی استان‌ها چون شیراز، تهران، اصفهان و... شده است. همین امر باعث گردید که آن‌ها حس کنند هویت، فرهنگ، آداب و رسوم، ارزش‌ها، عقاید و به‌طور کلی جهان‌بینی فردی و

خانوادگی آن‌ها مورد تهاجم قرار گرفته، پس راه‌حل نهایی را در گرایش به تفکرات سلفی‌گری جستجو کرده‌اند. لذا باید ناکامی فردی، خانوادگی و گروهی را بعنوان یکی از شاخصه تعیین‌کننده گرایش جوانان به سلفی‌گری در نظر گرفت.

ت- عوامل روان‌شناختی گرایش به سلفی‌گری تکفیری

متأثر از شرایط نامتوازن فرهنگی - اقتصادی، اجتماعی و برخی مشکلات زیست‌محیطی در استان خوزستان، به‌طور اخص شهر اهواز که از منابع غنی زیرزمینی، آبی و کشاورزی برخوردار است، اغلب این افراد با توجه به گسترش حاشیه‌نشینی در اطراف شهر اهواز و وجود برخی شکاف‌های (فرهنگی، اقتصادی، قومی و سیاسی) احساس محرومیت نسبی می‌کنند که به تبع آن در اثر ناتوانی در حل و فصل مشکلات فردی و خانوادگی موجب شکل‌گیری عقده حقارت در آنها شده است. در این چارچوب وضعی فردی، خانوادگی، دوستان و همسالان نقش مهمی در گرایش برخی از افراد حاشیه‌ای به تفکرات خشن و پرخاشگر می‌شود. در چنین بستری افراد در سنین کودکی با مقایسه وضع زندگی خود با دوستان، همسالان و برخی از بچه‌های اقوام دچار نوعی احساس بی‌ارزشی می‌کند. وی در مرحله جوانی و بزرگ‌سالی برای جبران این کاستی‌های نهفته در زندگی گذشته خود و با هدف برتری‌جویی؛ به برخی کنش‌های خارق‌العاده، رفتارهای غیره عقلانی و افراطی در قالب پیوستن به گروهک‌ها، دست به تفکرات خشن می‌زنند. در بسیاری از مصاحبه‌های افراد جذب‌شده به سلفی‌گری ملاحظه می‌شود که اغلب با یک خانواده فروپاشیده و نابهنجار درگیر بوده‌اند که روابط اجتماعی و صمیمیت سردی در این خانواده‌ها حاکم بوده است، این افراد بدون شناخت از ماهیت و اهداف تفکرات سلفی از راه منفی دست به جبران کمبودهای خود زده‌اند.

مجموعه تصورات و تمایزاتی در ذهن آنها شکل گرفته بود تنها راه برون‌رفت از مشکلات و مسائل موجود را در گرویدن به تفکرات سلفی تحلیل کرده‌اند. «تفکر سیاه‌وسفیدی» یکی از مقوله‌هایی بود که با تحلیل محتوای صحبت‌های این افراد می‌توان به آن دست یافت؛ بدین معنی که اغلب این افراد با نگرش دوگانه و غیریت‌زای قومی - مذهبی و هویتی با توجه به تفسیر غلط و جهت‌گیری اشتباه، یک فضای تخاصم‌آمیزی برای خود، عقاید و نگرش‌های خود ترسیم کرده بودند. آن‌ها در این چارچوب گفتمانی

مطلق و حذف گرا را ترسیم کرده‌اند که مدعی‌اند جهان و آدم‌هایش به دو دسته دوست یا دشمن تقسیم شده‌اند.

«اعتماد به نفس کاذب» برخی از این جوانان اهوازی که به تفکرات سلفی - تکفیری گرایش پیدا کرده بودند، دارای روحیه و تفکرات تجزیه‌طلبی بودند که خود را از لحاظ هویتی، نژادی و زبانی با اکثریت ایرانیان متفاوت می‌دیدند. آن‌ها مدعی بودند که داعش با مطرح کردن اسامی تاریخی و تأکید بر احیای خلافت عربی و تقابل با عجم‌ها توانست برخی از جوانان عرب را به خود جذب کند. در حقیقت خودشیفتگی برای بسیاری از جوانان که جذب این تفکرات شدند برای آن‌ها عطشی ایجاد کرده است که آن‌ها دست به خونریزی، قتل عام کودکان و مردم بی‌گناه زدند چراکه بر اساس تفکرات تکفیری، همه جریان‌ها و گروه‌های اسلامی بخصوص شیعیان را مرتد و کافر در نظر گرفته‌اند که هرگونه برخورد و رفتار با آن‌ها مشروعیت دینی دارد. این تفکر در استان خوزستان و شهر اهواز در حمله مسلح به رژه نیروهای مسلح به‌وضوح مشخص بود.

ث- عوامل بیرونی گرایش به سلفی‌گری تکفیری

در این تحرکات علاوه بر عوامل داخلی چون احساس محرومیت و نابرابری، تبعیض قومی، تعصب قومی، تمایزات هویتی (نژادی، زبانی) و... نقش عوامل بیرونی نیز پررنگ بوده است. اقامت حدود چهارصد و پنجاه نفر از سرکردگان گروه‌های نظامی و عناصر عملیاتی متواری و فعال تجزیه‌طلب در خارج از کشور به‌ویژه در کشورهای ایالات متحده آمریکا، کانادا، سوئد، انگلیس، هلند، دانمارک، سوریه و... به‌علاوه فعالیت بیش از بیست‌وپنج تشکل تجزیه‌طلب آرم‌دار همراه با تمامی امکانات نرم‌افزاری و تبلیغاتی، فعالیت بیش از یکصد و هفتاد سایت و وبلاگ اینترنتی و چهار شبکه ماهواره‌ای دال بر این مدعاست؛ آن‌ها به‌رغم اختلافات فراوانی که با یکدیگر در روش و منش سیاسی دارند، در بعد تبلیغاتی چون القاء تفکر اشغال اهواز توسط حکومت ایران در جامعه جهانی، بین‌المللی کردن مسئله خوزستان، تجزیه و استقلال خوزستان، تشکیل حکومت فدرال و سکولار در خوزستان، فشار سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف فروپاشی دولت مرکزی شیعی و فارسی‌زبان، با هم اشتراک نظر دارند. در این زمینه می‌توان به شباهت گسترده وهابیت در فضای ماهواره‌ای و مجازی اشاره کرد. از سوی

دیگر باید به ضعف علمی، تحقیقاتی، عقیدتی و مذهبی اغلب این جوانان اشاره کرد که شناخت کاملی از مبانی و متون مذهب شیعه نداشته‌اند، لذا به راحتی تحت تأثیر تبلیغات و پروپاگاندا‌ی سیاسی قرار گرفتند.

ج- عوامل ارتباطی (فضای مجازی) گرایش به سلفی‌گری تکفیری

دیگر عاملی که امروزه در اغلب جنبش‌ها و حرکت‌های بسیج‌گرایانه و اعتراضی مردم نقش مهمی داشته‌اند، رسانه‌های ارتباطی - مجازی بوده است؛ چراکه این ابزارها با فشردگی زمان و مکان، بستر را برای تعامل و ارتباط افراد در مکان‌های مختلف فراهم کرده است و از سوی دیگر نظارت و کنترل اقتدار دولت‌های مرکزی را به شدت تضعیف کرده‌اند. در صحبت‌های بسیاری از این افراد هم مشاهده شد که جرعه‌های ابتدایی شبهات آن‌ها اغلب در شبکه‌های ماهواره‌ای عرب‌زبان برخی کشورهای منطقه ایجاد شد و اخیراً با رشد فعالیت شبکه‌های مجازی، نشر کلیپ، کتاب و صوت‌های مختلف در تخریب مبانی عقیدتی شیعه نقش مهمی در شبهات ایجاد شده در اذهان این جوانان داشته است. آن‌ها هم که مراکز فرهنگی برای پاسخگویی به شبهات خود نداشته‌اند، خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر فعالیت این برنامه‌های از قبل طراحی شده قرار گرفتند.

به‌طور کلی چرایی انجام کنش‌ها و رفتارهای معنادار برخی از اقشار و طبقات جوان اهواز به این جریان‌ها را نمی‌توان تک‌بعدی و مبتنی بر مؤلفه خاص تحلیل کرد بلکه این مسئله بصورت پیچیده و جامع مشکلات، معضلات، بحران‌ها، (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و...) مسائل و شبهات پیچیده و حل‌نشده رسانه‌های تبلیغاتی عربستان و همدستان آنها برای تخریب مبانی عقیدتی شیعه و همچنین پروژه تجزیه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد فشارهای مختلف (تحریم، ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و...) در نظر گرفت. در این زمینه نهادهای فرهنگی و تبلیغی، اجتماعی و سیاسی کشور با سهل‌انگاری و خوش‌بینی مسئله را جدی تلقی نکرده به طوری که نه تنها این تفکرات از بین نرفت بلکه روزبه‌روز بدتر هم شد، امری که می‌تواند امنیت ملی ایران و حتی منطقه را با مخاطره جدی روبرو سازد.

چ- الگوی پارادایمی داده بنیاد از گرایش به سلفی‌گری تکفیری در خوزستان به‌طور کلی یافته‌های تحلیلی و نظری تحقیق در قالب مدل پارادایمی، بدین صورت در شکل شماره ۴ احصا شد.

شکل شماره ۴- الگوی پارادایمی در بررسی جامعه‌شناختی علل گرایش به سلفی‌گری در خوزستان



نتیجه‌گیری

مسئله پژوهش، گرایش جوانان شیعی اهواز به تفکرات سلفی‌گری تکفیری است؛ در این راستا هدف پژوهش شناخت مؤلفه‌های جامعه‌شناختی گرایش این جوانان به تفکرات خشن و رادیکال سلفی‌های تکفیری است که طی چند سال اخیر شاهد پیوند نگرش‌های قومیت‌طلبی تجزیه‌گرا با این تفکرات در مناطق مختلف استان خوزستان بخصوص مناطق عرب‌نشین و به‌طور اخص شهر اهواز بوده‌ایم. برای پاسخ به مسئله و اهداف از روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه مصاحبه عمیق با برخی از افراد گرایش‌یافته به این تفکرات و افراد صاحب‌نظر و مسئول در شهر اهواز و منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای استفاده شد. در حوزه جمع‌آوری تحقیق، نگارندگان با محدودیت‌های مختلفی چون دسترسی و انجام مصاحبه با اعضای دستگیر شده این فرقه‌ها، عدم همکاری برخی مردم به دلیل ترس از تهدیدات مربوط به گروه‌های سلفی در سطح استان، امنیتی بودن موضوع و از همه مهم‌تر، جدید بودن مسئله مورد پژوهش است که کمبود منابع تخصصی مطالعاتی بیشترین مشکل را برای این پژوهش ایجاد کرد. به‌طور کلی یافته‌های پژوهش آن است که در استان خوزستان به دلیل بافت متکثر قومی و زبانی، وجود برخی مشکلات زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و همچنین سوابق تاریخی تفکرات قومیت‌طلبی با همکاری و دخالت عوامل بیرونی معضلات و مشکلاتی را در این منطقه در پی داشت. طی چند سال اخیر بخشی از جوانان قوم گرای عربی، راه‌حل برون‌رفت خود از وضعیت معضل‌گونه‌ی فعلی را تغییر مذهب و گرایش به تفکرات سلفی‌گری تکفیری بعنوان گفتمان رقیب اسلام شیعی در نظر گرفتند. در این زمینه مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی در قالب شاخصه‌هایی چون (ساخت و بافت قومی - قبیله‌ای - مسائل نژادی و هویتی، جهل دینی و شبهات عقیدتی، ناکارآمدی نهادهای فرهنگی و تربیتی، ارتباط با دوستان ناباب و هم‌سن و سالان)، مؤلفه‌های اقتصادی (احساس محرومیت نسبی، احساس تبعیض و توسعه نامتوازن، بیکاری گسترده، مشکلات مسکن، عدم پرداخت حقوق کارگران، استخراج منابع نفتی توسط دولت و...) عوامل بیرونی (دخالت مستقیم و غیره مستقیم تاریخی انگلستان، آمریکا و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در این منطقه، دشمن ایدئولوژیک عربستان با ایران بعنوان، پناهندگی به معاندان و فعالان قومی، تبلیغات گسترده رسانه‌ها و سیاه‌نمایی علیه مبانی عقیدتی شیعه، سوء استفاده از مشکلات اقتصادی

- اجتماعی و مذهبی ایران و...) مقولات تکنولوژیکی (استفاده گسترده از رسانه‌های مجازی، فقدان توان نظارتی و کنترل دولت، دوست‌یابی مجازی، استفاده از ماهواره‌های عربی زبان و...) نقش اصلی را در گرایش جوانان اهواز به تفکرات سلفی‌گری تکفیری داشت. این مسئله می‌تواند تبعات بسیار جدی در حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد. در همین راستا پیشنهادات راهبردی ناظر به حل مسئله و پیشگیری در حوزه‌های (فرهنگی، سیاسی - امنیتی، اقتصادی، تکنولوژیک، فرهنگی - اجتماعی) ارائه شده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- بسیج اجتماعی، فعال‌تر شدن و حساسیت به خرج دادن نهادهای فرهنگی - تبلیغی کشور چون مساجد، بسیج، جهاد سازندگی، حوزه علمیه، انجمن‌های مذهبی دانشجویی در حل چالش‌ها و مسائل فرهنگی، مذهبی و معیشتی طبقات مختلف جامعه و پاسخ به سؤال‌ها، چالش‌ها و مطالبات از طریق کار و روحیه جهادی بصورت عملیاتی؛
- برنامه‌های فرهنگی متنوع و مختلفی با محتوا و ماهیت جذاب و مفید متناسب با شکاف‌های نسلی، جنسی و جمعیتی در این مناطق با هدف تربیت و جامعه‌پذیری متناسب با ارزش‌ها و فرهنگ بومی؛
- معرفی دقیق و کامل اسلام ناب و دور کردن پیرایه‌ها از اسلام نبوی (ص) توسط صاحبان تفکر دینی به آحاد مردم، بویژه نسل جوان از طرق و ابزارهای گوناگون فرهنگی و مقایسه آنها با تفاسیر انحرافی و جهالت‌گونه فرقه‌های تکفیری؛
- جایگزینی و توجه به رویکرد فرهنگی و اجتماعی و برخورد نرم بجای رویکردهای انفعالی و قهری و برخورد سخت و خشن؛
- ارتقای سطح رفاهی، عمرانی و معیشتی مناطق مختلف استان خوزستان و شهر اهواز و تلاش برای گسترش امکانات بهداشتی، درمانی، زیرساختی، ارتباطی و...؛
- احداث شهرهای میانی و شهرک‌های جدید جهت جلوگیری از پدیده مهاجرت و حاشیه‌نشینی و همچنین مبنا قرار دادن برنامه توسعه پایدار برای ایجاد اشتغال و برنامه‌های عمرانی در حوزه‌های کشاورزی، آبی و نفتی و بهره‌گیری از نیروهای بومی مستعد؛
- فعالیت و مقابله به مثل با تبلیغات گسترده و جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی رسانه‌ای و مناظره‌های ماهواره‌ای با هدف تضعیف اعتقادات شیعی و ایجاد تفرقه‌های قومی و مذهبی

و فعالیت در سایت‌های اینترنتی و بهره‌گیری از نخبگان دانشگاهی و محلی این قوم برای مقابله با سلفی‌گری در فضای مجازی؛

- افزایش سطح آگاهی‌های مردم منطقه از طریق برنامه‌های تولیدی صداوسیما استان با آگاهی بخشی در یاره فرقه‌ها و گروه‌های تندرو سلفی (تاریخچه ماهیت و اهداف و ...)
- توجه به توسعه اقتصادی متوازن در منطقه جهت کاهش بیکاری و اشتغال‌زایی با هدف دور کردن جوانان بیکار از پاداش‌های مالی خارجی به اعضای این گروه‌ها از طریق فعال کردن بازارچه‌های مرزی و سیاست‌گذاری مدون در راستای تأثیر بر وضع معیشتی و رفاهی این مناطق.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Abdollah Moradi



<https://orcid.org/0000-0003-0081-8702>

Seyed Zakaria



<https://orcid.org/0000-0003-4350-1916>

Mohamodi Raja

منابع

- احمدی، محمدحسین، الوند، مریم، (۱۳۹۱)، «نقش قوم‌گرایی در ناآرامی‌های اجتماعی»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، دوره چهارم، شماره دو، صص ۱۵۲ - ۱۸۹.
- استروس، انسلم، کرین، جولیت، (۱۳۹۷)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اعظم زاده، منصوره، بقالی، هاوژین، (۱۳۹۱)، «تحلیل جامعه‌شناختی سلفی‌گری به مثابه یکی از منابع هویت‌ساز در کردستان ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال ششم، شماره ۲.
- اقبال، حدیث، (۱۳۹۵)، «چارچوبی برای مطالعه دلایل ایجاد و گسترش اندیشه رفتار تروریستی (با تأکید بر داعش)»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال دوم، شماره ۳.
- اکبری، حسین، فخاری، روح‌الله، (۱۳۹۶)، «نقش قومیت در رفتار انتخاباتی اجتماعات چند قومیتی (مورد مطالعه: شهرستان بجنورد)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۲.
- آدمی، علی، مرادی، عبدالله، (۱۳۹۴)، «چیستی افراط‌گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش‌هنجاری»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۵، شماره ۳.

- برات فرجی و علی بختیارپور، (۱۳۸۶)، «ارزیابی رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران به قوم عرب و نقش آن در توسعه امنیت پایدار خوزستان»، فصلنامه امنیت پایدار، سال اول، شماره ۲ و ۳.
- البوطی، محمد سعید رمضان، (۱۳۷۵)، سلفیه: بدعت یا مذهب، ترجمه حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بیژنی، علی، عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۷)، «کالبدشکافی گروه‌های قومی در استان خوزستان»، فصلنامه جغرافیای سرزمین، سال پنجم، شماره ۲۰.
- برومند، عباس، (۱۳۹۲)، «جنبش‌های سیاسی خاورمیانه از سلفی‌گری تا نوسلفی‌گری»، مصاحبه با کارشناسان، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۸۵.
- پورامینی، محمدباقر، (۱۳۹۵)، بنیادهای تفکر سلفی، چاپ دوم، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- پورزیتانی، شیدا، (۱۳۸۸)، بررسی هویت غالب در بین اعراب خوزستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- پورسلیم، عباس، عارفی، محبوبه، فتحی، کورش، (۱۳۹۶)، «طراحی الگوی برنامه درسی تربیت شهروند جهانی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران؛ مدلی برآمده از نظریه داده‌بنیاد»، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۳، شماره ۳.
- پورکاظم، کاظم، (۱۳۸۴)، مدخلی بر شناخت قبایل و عشایر استان خوزستان، تهران: نشر آمه.
- حق‌گو، جوان، (۱۳۹۳)، آمریکا و تجزیه‌طلبی قومی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حلبی، علی اصغر، (۱۳۸۲)، تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر، تهران: نشر زوار.
- دانایی‌فرد، حسن، اسلامی، آذر، (۱۳۸۹)، کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده‌بنیاد در عمل؛ ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- دانایی‌فرد، حسن، الوانی، سید مهدی، آذر، عادل، (۱۳۸۶)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: نشر صفار و اشراقی.
- دلاوری، ابوالفضل، (۱۳۷۸)، بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- رایس، والتر، (۱۳۸۱)، ریشه‌های تروریسم، ترجمه سیدحسین محمدی نجم، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.

- رضازاده، اکبر، بایندور، ولی‌الله، (۱۳۹۶)، «قومیت و تأثیر آنها بر امنیت ملی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره ۳.
- رضوانی، علی‌اصغر، (۱۳۸۹)، سلفی‌گری (وهابیت)، چ هفتم، قم: مسجد جمکران.
- رضوی، رسول، جعفرزاده، مهدی، قاسمی، محمدرضا، (۱۳۹۸)، «آموزه شفاعت در میراث مکتوب مذهب شافعی و تبیین تمایز آن با دیدگاه سلفیان تکفیری»، فصلنامه پژوهش‌های مذهب، دوره ۶، شماره ۱۱.
- ساسانیان، سعید، (۱۳۹۶)، «عملیات روانی سایت العربیه بر عرب‌های خوزستان با تمرکز بر احساس محرومیت نسبی رفاه»، فصلنامه آفاق امنیت سال یازدهم، شماره سی و هشتم.
- سیدنژاد، سیدباقر، (۱۳۹۱)، «جریان‌شناسی سیاسی سلفیت»، فصلنامه رهیافت سیاسی بین‌المللی، سال سوم، دوره ۸.
- شادلو، شیده، روشندل، جلیل، (۱۳۹۸)، «نقش عوامل انتزاعی و عینی در پدیده پان‌عرب‌بسم در ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، مجله تاریخ‌نامه انقلاب، سال دوم، شماره ۳.
- عبدالله‌خانی، علی، (۱۳۸۶)، تروریسم شناسی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عبدالملکی، سعید، (۱۳۹۴)، تحلیل روان‌شناختی پایه داعش، با تأکید بر روان‌شناسی سیاسی، تهران: نشر علم.
- علی‌بخشی، عبدالله، (۱۳۹۴)، جریان‌شناسی گروه‌های سلفی، جهادی و تکفیری، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- علیزاده موسوی، مهدی، (۱۳۸۹)، سلفی‌گری و وهابیت، جلد اول: تبارشناسی، چاپ دوم، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عنایت، حمید، (۱۳۷۲)، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
- عوض پور، مهدی، اکوانی، حمدالله، میراجمدی، منصور، مختاری، علی، (۱۳۹۴)، «گفتمان سلفی معاصر در جهان عرب؛ زمینه‌های خیزش و منظومه معنایی»، فصلنامه رهیافت سیاسی بین‌المللی، سال هفتم، شماره ۲.
- فراستخواه، مقصود، (۱۳۹۶)، روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه داده‌بنیاد، تهران: نشر آگاه.
- فرمانیان، مهدی، (۱۳۸۸)، «گرایش‌های فکری سلفیه در جهان امروز»، فصلنامه مشکوت، شماره ۱۰۴.

- قوام‌آبادی، محمدغلام، مرتضوی‌نژاد، سید مهدی، نوروزی، سمیه، جوادی، مجتبی، نانی، سعید، عبدالحسین‌زاده، محمد، (۱۳۹۴)، «الگوی مرجعیت علمی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس بیانات رهبری»، فصلنامه مطالعات راهبرد بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۸.
- قیصری، نورالله، (۱۳۸۱)، قومیت عرب خوزستان و هویت ملی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کرسول، جان دیلو، (۱۳۹۸)، طرح پژوهش: رویکرد کیفی، کمی و ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش، تهران: جهاد دانشگاهی.
- کریم‌زاده، علی، (۱۳۸۹)، چالش‌های هویتی و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران؛ با نگاهی به استان خوزستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- کلارک، ویکی پلانو، کرسول، جان دیلیو، (۱۳۹۰)، روش‌های پژوهش ترکیبی، مترجمان علیرضا کیامنش، جاوید سرایی، تهران: آریز.
- گر، تدرابرت، (۱۳۷۶)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گودرزی، حسین، (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی هویت در ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- لوهلکر، رودیگر، (۱۳۹۷)، سلفی‌ها، ترجمه علی عبدالهی، تهران: نشر کوله‌پشتی.
- محمدی‌ده‌چشمه، مصطفی، (۱۳۹۴)، «بنیان‌های ژئواستراتژیک امنیت در استان خوزستان»، همایش راهبرد پایدار.
- محمودی‌رجا، سید زکریا، (۱۳۹۹)، شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش به سلفی‌گری در استان خوزستان؛ رویکرد داده‌بنیاد (مورد مطالعه جوانان شهر اهواز)، طرح جایگزین خدمت بنیاد نخبگان در دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مطلبی، مسعود، (۱۳۸۷)، «جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی»، فصلنامه زمانه، شماره ۷۰.
- میرزاده، فرامرز، (۱۳۹۶)، اسلام انتقادی و سلفی‌های جهادی، تهران: نقد فرهنگ.
- نواح، عبدالرضا، نبوی، عبدالحسین، حیدری خیری، (۱۳۹۵)، «قومیت و احساس طرد اجتماعی، مخاطرات اجتماعی پیش‌رو (مورد مطالعه، قوم عرب شهرستان اهواز)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴.

References

- Adami A, Moradi A, (2015), "The Quiddity of Extremism in Political Islam: Roots of Identity and Normative Action", *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 5 (3). [In Persian]

- Ahmadi, Mohammad Hossein & Elvand, Maryam, (2013), “The Role of Ethnocentrism in Social Unrest”, *Social Order Quarterly*, Volume Four, Number Two. [In Persian]
- Akbari, H., & Fakhari, R, (2017), “The Role of Ethnicity in the Electoral Behavior of Multi-Ethnic Communities”, *Journal of Applied Sociology*, 28(2). [In Persian]
- Al-Bouti, Mohammad Saeed Ramadan, (1375), *Salafiyyah Heresy or Religion*, Translated by Hossein Sabri, Mashhad: *Islamic Research Foundation. Presss*. [In Persian]
- Avazpour, M., Mirahmadi, M., Akvani, H., & Mokhtari, A, (2015), “Contemporary Salafi Discourse in Arab World: The Emergence Context and Signification Constellation”, *Political and International Approaches*, 7(2). [In Persian]
- Bernard, Haykel (2009), “On the Nature of Salafi Thought and Action”, In *Global Salafism: Islam’s New Religious Movement*, ed. Roel Meijer, London: Hurst.
- Bijani, A., & Ezati, E. (2009), “Analyzing of Movement and Tribal Groups of Khozestan Province, *Territory*, 5(20). [In Persian]
- Borum, Randy, (2004), *Psychology of Terrorism*, Tampa: University of South Florida.
- Broumand, Abbas, (2012), “Political Movements in the Middle East from Salafism to Neo-Salafism”, Interview with Experts, *Book of the Month of History and Geography*, No. 185. [In Persian]
- Creswell, J. W, (2005), *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition), Michigan: Merrill.
- Creswell, John W., (2018), *Research Design: Qualitative, Quantitative and Mixed Approach*, translated by Alireza Kiamanesh, Tehran: Academic Jihad Press. [In Persian]

- Eghbal, H. (2017), "Providing A Framework to Study Causes of the Creation & Spread of Terrorist Thoughts & Behavior (Case Study: ISIS)", *Research Letter of Political Science*, 12(3). [In Persian]
- Enayat, Hamid, (1372), *Political Thought in Contemporary Islam*, Translated by Bahauddin Khoramshahi, Tehran: Kharazmi Press. [In Persian]
- Farastkhah, Maqsood, (2016), *Qualitative Research Method in Social Sciences with an Emphasis on Grounded Theory*, Tehran: Aghah Press. [In Persian]
- Farhāniyan, M, (2009), "The Intellectual Trends of Salafiyya in Today's World", *MISHKAT*, 28(3). [In Persian]
- Forrest, S, (2004), "Indigenous Identity as a Strategy for Cultural Security", Conference Paper in Northern Research Forum Plenary on Security.
- Glaser, Barney G, & Strauss, Anselm L, (1967), *The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research*, Chicago: Aldine.
- Gudarzi, Hossein, (2004), *Sociology of Identity in Iran*, Tehran: National Studies Institute Press. [In Persian]
- Halabi, Ali Asghar, (1382), *History of Contemporary Religious-Political Movements*, Tehran: Zovar Press. [In Persian]
- Haron, Zulkarnain & Nordin Hussin, (2013), "A Study of the Salafi Jihadist Doctrine and the Interpretation of Jihad by al Jama'ah al Islamiyah", *Kemanusiaan Journal*, Vol. 20, No. 2.
- Kepel, Gilles, (2002), *Jihad: The Trail of Political Islam*, Massachusetts: Harvard University Press.
- Motalebi, Masoud, (2007), "Political Geography of the Iranian Ethnic", *Zamane Quarterly*, No. 70. [In Persian]

- Poursalim, A, arefi, & Fathi Vajargah, K. (2017), "Designing a Model for the Curriculum of Global Citizenship Education in Elementary Schools of Iran's Educational System: A Model Based on Grounded Theory", *The Journal of New Thoughts on Education*, 13(3). [In Persian]
- Sasanian, S. (2018), "The Psychological Operation of Al-Arabiya Website against the Arabs of Khuzestan Province Focusing on Relative Deprivation", *Scientific Journal of Security Horizons*, 11(38). [In Persian]
- Strauss, Anselm L & Corbin, Juliet M. (1998), *Basics of Qualitative Research: Qrouned Theory Procedures and Techniques*, SAGE Publications. [In Persian]

